

صادق لنکرانی گفته: «ما باید بدانیم که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است که در آن مردم، با استفاده از قدرت حل برخی از شبهات را نداشته‌اند.

وضع معیشتی طلاب قبل از انقلاب خیلی بهتر بود؛



آیت‌الله محمدجواد صادق لنکرانی، استاد حوزه علمیه قم در برنامه دست خط گفت:

وضع معیشتی طلاب قبل از انقلاب خیلی بهتر بود. یک طلبه مثل من با یک سوم حقوقی که ماهانه می‌گرفتیم می‌توانستیم اجاره خانه بدهیم. اما الان یک حقوقی که طلبه می‌گیرد، دو برابر را روی این حقوق بگذارد نمی‌تواند اجاره خانه خود را بدهد. وضع معیشتی ۸۰ و بلکه بیش از ۸۰ درصد طلاب از خط فقر بسیار پایین‌تر است. ۱۰-۱۵ درصدی که شغل دولتی دارند، زندگی مرفهی دارند و مردم اینها را می‌بینند و همه را به یک چوب می‌رانند.

به گزارش اسپادانا خبر، بخش‌هایی از صحبت‌های محمدجواد صادق لنکرانی را خواهید خواند:

*حوزه بعد از انقلاب قابل مقایسه با حوزه قبل از انقلاب نیست. از چه نظر قابل مقایسه نیست؟ از این نظر که دامنه علوم در این حوزه بسیار توسعه یافته است. قبل از انقلاب اگر یک یا دو جلسه درس تفسیر در حوزه داشتیم که از یکی دو جلسه فراتر نمی‌رفت اما الان بیش از ۵۰ جلسه تفسیر و شاید بیشتر داشته باشیم. ما در قبل از انقلاب مراکز تحقیقی در حوزه نداشتیم، مراکز پژوهشی در حوزه نداشتیم. پژوهش‌ها همه شخصی بود، پژوهش‌های گروهی نبود. الان روزی نیست مسائل جدید فقهی به حوزه عرضه نشود. از ناحیه پزشکان، از ناحیه امنیت، از ناحیه فقه اجتماعی، از ناحیه فقه حکومتی، فقه سیاسی و غیره مسأله‌ای نیست که به حوزه ارجاع داده شده باشد و از حوزه مطالبه شده باشد و حوزه پاسخ نداده باشد اما بخشی از بدنه حوزه حوصله اجتهادی که علمای قدیم داشتند، ندارند. نمی‌توانند وقت بگذارند. گرفتاری‌ها در زمان قدیم، خیلی کمتر از حالا بود. در زمان قدیم روحانیت یک مسئولیت درس، امامت جماعت و یک منبر و تبلیغ داشت. امروز روحانیت ما در متن جامعه است؛ فرض کنید یک مُلایی که ممکن است به اجتهاد رسیده باشد، آنقدر خودش را موظف می‌داند در حرکت‌های اجتماعی همراه مردم باشد، در حرکت‌های سیاسی به اعتقادی که دارد، نه به کار دستوری، در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشد. با این همه توسعه مسائل، مجال برای این که کسی بنشیند تحقیقات عمیقی که قبلاً انجام می‌شد را انجام دهد، کمتر است. نمی‌خواهم بگویم نیست؛ الان در مرکز فقهی قوی‌تر از گذشته داریم و کار می‌کنند اما بدنه عمومی حوزه قدری این جهت کم‌رنگ شده است. الان هم متأسفانه در همین داخل کشور ما برخی از خودی‌های ما چون قدرت حل برخی از شبهات و اشکالات را در صحنه بین‌الملل نداشته‌اند براحتی می‌گویند باید این احکام را جمع کنیم و احکام دیگری بیاوریم و این درد بسیار بزرگی است. ما می‌گوییم شما قدرت نداشتید شبهه را حل کنید به اهل آن مراجعه کنید. ...

در خصوص مسائل حقوقی و قضایی، بسیاری از کشورهای اروپایی از فقه شیعه متخذ است. حتی فقهی که حق حیوانات را مطرح کرده است. من اینجا بیان کنم مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) از اولین محصولاتش این بود که ۸ جلد دائره المعارف فقه کودک را مطرح کرده است. یک سال قبل از ولادت که پدر و مادر چه وظایفی دارند، او را بررسی کرده ایم تا وقت بلوغ. این مسائل در مرکز فقهی وجود است. ۱۰-۱۵ نفر از مسکو به ملاقات من در مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) در قم آمده بودند. پیرمردانی در این جمع بودند. مسئول آنها می گفت تقریباً اینها اتاق فکر پوتین هستند. آنها گفتند ما تمام حکومت ها را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم قوی ترین، مطمئن ترین و منطقی ترین حکومت، حکومتی است که فقیه در راس آن باشد. فقیه در راس این مملکت است که امروز این اقتدار وجود دارد و نفتکش های ما این همه راه را طی می کنند و به ونزوئلا می روند.»

* در خصوص مسائل حقوقی بسیاری از راهکارهایی که امروز مراکزی که در کشور انجام می دهند مشروع نیست. یک زمانی کنگره ای در جهرم برای تلفیح مصنوعی برگزار می شد پیغام دادم و گفتم مسائل حقوقی و قضایی را بررسی کنید. واقعاً باید در اینجا قدر دان رهبری معظم باشیم که فریاد زدند که این اشتباه شده و جلوی این را بگیرید. سال ها بود که مرکز فقهی ما با کمیسیون های مجلس کار کرد که ابتدا هم قبول نمی کردند که اینها حرف های خود را با مسئولین وزارت بهداشت بیان کنند که این برخلاف اسلام است. مسائل حقوقی و قضایی را بررسی کنید. این می تواند با فقاقت، بدون هیچ تعصبی، حقوق عادلانه اینها را تبیین کند. فقه بسیار مهم است.

* وضع معیشتی طلاب قبل از انقلاب خیلی بهتر بود. یک طلبه مثل من با یک سوم حقوقی که ماهانه می گرفتیم می توانستیم اجاره خانه بدهیم. اما الان یک حقوقی که طلبه می گیرد، دو برابر را روی این حقوق بگذارد نمی تواند اجاره خانه خود را بدهد. وضع معیشتی ۸۰ و بلکه بیش از ۸۰ درصد طلاب از خط فقر بسیار پایین تر است. ۱۰-۱۵ درصدی که شغل دولتی دارند، زندگی مرفهی دارند و مردم اینها را می بینند و همه را به یک چوب می رانند.

* وضعیت فرهنگی کشور خوب نیست. ما ظاهر دین را بیان کرده ایم و حتی گفتیم چقدر دین توسعه دارد و خیلی ها اطلاع پیدا کرده اند ولی باورهای مردم قوی نشده است. البته منظور از مردم، این است که بخشی از رویش های انقلاب داریم که باورهای اینها خیلی عمیق است و در این تردیدی نیست. رسانه باید یک سیاستی پیدا کند که باورهای مردم را تقویت کنیم. ظواهر الان بر باورهای باطنی غلبه دارد. ما هر مناسبتی درباره هر امامی تلویزیون و رسانه ملی ما صحبت می کند که این امام که بود و چه شد. هیئات و دسته جات و مراسم سرور پخش می شود ولی چقدر باور مردم را کار کرده ایم؟ وقتی باور نباشد اختلاس ها ایجاد می شود. از این آدمی که اختلاس می کند بپرسیم این کار شما حرام است می گوید بله حرام است اما انجام می دهد چون باور به قیامت ندارد، باور به این ندارد که روزی باید پاسخ دهد. اگر این باور قوی شد، آن کارگر شهرداری می شود که اگر دو کیلو طلا در خیابان هم پیدا کند، حاضر نیست برای زندگی خود بردارد و تحویل می دهد. من گلایه از روحانیونی کنم که از صداوسیما خواب برای مردم مطرح می کنند. گلایه کنم از روحانیون یا مداح هایی که کرامت هایی که اکثر آنها دروغ است، برای مردم مطرح می کنند. من گلایه کنم از صداوسیما که مجری محترم به آن روحانی می گوید یک هدیه ای امروز به مردم ما بدهید. ایشان می گوید از فردا این ذکرها را در این ساعات بگوئید. آقای محترم! این ذکر در اسلام امری است که شخصی و برای سلوک شخصی افراد است. کاری کنید که باور مخاطب را بالا ببرید. ما این کار را کرده ایم و اینکه می گویم "روحانی"، منظور خودم هستم و من مستثنی نیستم ولی وقتی می خواهیم آسیب شناسی کنیم باید باورهای مردم را قوی کنیم. در مباحث قرآنی به جامعه بگوئید این آیه قرآن را کدام یک از ما در خانه عمل کردیم. زندگی های ما چقدر اسلامی است؟ حتی ما انقلابی ها. نحوه برخورد با همسر، نحوه برخورد با فرزند، نحوه برخورد با فامیل، نحوه غذا خوردن، نحوه استراحت و نحوه ماندن در خانه و نحوه بیرون از خانه و غیره را کار کرده ایم؟

* مسائل حقوقی و قضایی یعنی شیعه ای که بگوید اسلام سیاست ندارد، شیعه ای که بگوید ما چه ربطی به سیاست داریم، هر کسی می خواهد رئیس شود فرقی ندارد، مغول، محمدرضا شاه، سلمان باشد، فرقی ندارد. منطق شیعه این نیست. حالا چرا به این شیعه انگلیسی می گویند؟ برای این که انگلیس دنبال این است. انگلیسی که مذهب بابیت، بهائیت، وهابیت را ایجاد کرد. باز دومین شاخصه این است که ائمه سیاستی برای شیعه ترسیم کردند که به نام سیاست تقیه. تقیه امری است که روی مبنای عقل است، نه اینکه دورویی کنیم. برخی تقیه را به دورویی و نفاق تشبیه می کنند. بسیاری از پدرها در حرکت و مواضعی که با بچه ها یا خانواده دارند تقیه می کنند. تقیه یک سیاست راهبردی طولانی مدت تا آخر و زمان ظهور است. چه کسی این سیاست را پایه گذاری کرده است؟ خود ائمه. شیعه انگلیسی می گوید زمان تقیه گذشته است. می گویند معنا ندارد تقیه کنیم. حالا که شبکه ماهواره ای داریم چرا باید تقیه کنیم؟ نمی فهمند تقیه به چه معنی است. شاخص سوم این است که شیعه واقعی و شیعه اثنی عشری واقعی کسی است که می گوید شما نباید تحاکم به طاغوت کنی. تحاکم به طاغوت یعنی دو مسلمان با هم اختلاف کردند، نزد یک کافر نروند و بگویند شما بین ما قضاوت کن و این در فقه ما ریشه قرآنی دارد. عمر بن هنزله نزد امام صادق آمد و گفت دو نفر اصحاب شما در مسأله ارث و دین با هم اختلاف کرده اند و نزد سلطان وقت رفتند که در آن زمان امام صادق (ع) بوده است که اسم او اسلامی بود ولی سلطان جور بود. امام ابتدا فرمود مگر شما قرآن نخواندید که قرآن تحاکم به طاغوت را نهی می کند و حرام می داند. حتی اگر به نفع شما به حق حکم کرد. شیعه انگلیسی می گوید فرقی نمی کند، کسی که قضاوت می کند کافر باشد یا غیرکافر باشد. شاخص چهارم شیعه انگلیسی می گوید اگر اسرائیل در یک نقطه ای

۷۰ - ۸۰ سال پیش غصب کرده، غارت و چپاول کرده، قتل کرده، به شما چه ربطی دارد؟ مردم فلسطین خواستند با آن مقابله کنند و نخواستند هم نکنند ولی شیعه واقعی می گوید اگر جایی اسلام در خطر بود، ولو شما در نقطه دیگری از دنیا هستید اگر می توانید باید مقابله کنید. شیعه انگلیسی یعنی شیعه‌ای که جهاد دین را قیچی کند.

برچسب ها: [حوزه علمیه](#) [1]

[فقر](#) [2]

[ولایت فقیه](#) [3]